

حذف ماده ۴۱ قانون تامین اجتماعی، حقوق بیمه‌ای کارگران را تضعیف می‌کند

مجلس شورای اسلامی آذرماه سال گذشته شش ماه به سازمان تامین اجتماعی مهلت داد تا در ماده ۴۱ قانون تامین اجتماعی بازنگری کند، چراکه به‌زعم آن‌ها این ماده قانونی که ماهیت حمایتی دارد به بی‌عدالتی در حق کارفرمایان و بیمانکاران دامن می‌زند.به گزارش «اینا»، حالا پس از گذشت ۹ ماه، نمایندگان مشغول نگارش طرحی هستند که حذف کلی ماده ۴۱ قانون تامین اجتماعی را کلید می‌زند. علی اصغر بیات، رئیس کانون عالی کارگران بازنشسته سازمان تامین اجتماعی تاکید دارد که در صورت نهایی شدن این طرح و تصویب آن در مجلس، اولاً حقوق بیمه‌ای کارگران بیمانکاری‌ها تضییع می‌شود و ثانیاً اثرات نامطلوبی بر درآمدهای سازمان تامین اجتماعی می‌گذارد.

یکشنبه ● یک مهر ۱۳۹۷ ● شماره صد و هفتاد

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

استقلال سازمان تامین اجتماعی رابه رسمیت بشناسیم

● **یادداشت** ●
● **حسین اکبری** ●

در برهه‌فعلی، سازمان تامین اجتماعی نقطه‌امید میلیون‌ها بیمه‌گذار و خانواده‌های آن‌هاست و اولین اقدامی که به سهولت و تقویت هرچه بیشتر اقدامات سازمان کمک می‌کند، به رسمیت شناختن استقلال این سازمان است، یعنی دولت استقلال تامین اجتماعی را به رسمیت شناخته و به بهانه مدیریت و حفاظت از منافع کارگران و... در امور آن مداخله نکند. عدم دخالت دولت می‌تواند، این نهاد را در مسیر درست برای سیاست‌گذاری قرار دهد. مقدمه این کار، لغو ماده‌ای است که در بودجه‌۹۷، بخشی از منابع مالی سازمان را به خزانه دولت واریز می‌کند. لازم است این ماده اصلاح شود، حتی اگر مصوبه مجلس باشد. دومین اقدام، به رسمیت شناختن نهادهایی است که موجب استقلال عینی سازمان تامین اجتماعی می‌شوند. نهادها و تشکل‌های کارگری و کارفرمایی در این دسته جای می‌گیرند که نه‌تنها لازم است خودشان، بلکه نظارت آن‌ها را به رسمیت بشناسیم. اما اقدامی که در دولت دهم صورت گرفت و برخلاف این امر، عملیاتی شد، حذف شورای عالی تامین اجتماعی و جایگزین کردن هیئت‌امانی به جای آن است که خود متجر به برخی تصمیم‌های غیرکارشناسی شد. باید شورای عالی تامین اجتماعی را احیا و نظارت سازمان تامین اجتماعی را بر مدیریت و

● **یادداشت** ●
● **یونس خسروانی** ●

تامین اجتماعی در شرایط کنونی وظیفه خطیری به‌عهده دارد، چون بار مسئولیتی که بر دوش تامین اجتماعی وارد می‌شود در شرایط سخت اقتصادی سنگین‌تر است. مهم‌ترین دغدغه سازمان تامین اجتماعی که باید برای آن فکری شود در حال حاضر فشاری است که بابت کسری منابع مالی، همچنین تحمیل پرداخت‌های جدید با آن مواجه است. دولت باید برای تقویت سازمان تامین اجتماعی در شرایط فعلی اقدامات فوری انجام دهد. به خاطر قوانین و مقرراتی که طی این سال‌ها تدوین شده است، بار مالی بر سازمان تامین اجتماعی وارد شده که منابع این سازمان را با کسری هرچه بیشتر مواجه می‌کند. یک سری از این قوانین مرتبط با مقررات مربوط به بازنشستگی‌های پیش از موعد و زیان‌آور است که برون‌داد آن نیز خیلی زیاد بوده و منابع سازمان را بیش از پیش خارج می‌کند. مبلغ پرداختی بابت این بازنشستگی‌ها بیشتر از وصولی‌هاست، در حالی که بایستی کل حاکمیت و متولیان به این امر توجه می‌کردند و با تصویب مقررات جدید، بار مالی خارج از توان این سازمان، تحمیل نکنند. به نظر می‌رسد با

مسئولیت دولت در تقویت سازمان تامین اجتماعی

توجه به‌وضعیت پیش آمده، کاهش بحران‌های مالی صندوق‌ها صرفاً منحصراً به مجلس یا شرکای سازمان تامین اجتماعی نیست، بلکه حاکمیت باید به‌منظور گره‌گشایی از مشکلات سازمان پیش قدم شده و در اختصاص کمک‌های متنوع به آن کوتاهی نکند. بحران صندوق‌های بازنشستگی از چالش‌های مهم کل اقتصاد کشور است و تبعات اقتصادی و اجتماعی زیادی به‌همراه دارد، بنابراین اصلاح قوانین بالادستی، یعنی اصلاح این مشکلات از بار مشکلات اقتصادی فعلی که عمدتاً روی دوش کارگران است، می‌کاهد. طلبی که سازمان تامین اجتماعی از دولت دارد، در برنامه ششم پیش‌بینی شده و باید تدبیری جدی برای پرداخت آن اندیشیده شود. در کنار آن، خود سازمان تامین اجتماعی نیز روند خوبی برای تسهیل ارائه خدمات و مدیریت منابع و مصارف در پیش گرفته که از جمله می‌توان به گسترش خدمات الکترونیک اشاره کرد. کنترل این موضوع – که مورد مهم آن، گسترش آ‌تی در سازمان است- در پیش گرفته است. در صورت تداوم این فعالیت‌ها و اقدامات می‌توان بخش مهمی از مشکلات سازمان را پوشش داد، بنابراین به طور کلی مسئولیت دولت در قبال حل این مشکلات بیشتر از سایر ارگان‌ها حائز اهمیت است.

مدیرکل تامین اجتماعی پوشهر

گام اول، تقویت استقلال تامین اجتماعی است

این است که سازمان و تشکیلاتی در کشور داشته باشیم که در مورد رفاه اجتماعی به طور عام جواب‌گو باشد و در سیاست‌گذاری‌های کلی حوزه رفاه نیز موثر باشد. مجموعه بخش‌های شکل دهنده سازمان یعنی هر سه رکن دولت، کارفرمایان و کارگران، وظایفی به عهده دارند. کارفرما و کارگر باید سهم بیمه بپردازد و دولت باید بدون چشمداشت به منابع این دو رکن، بر فرایند جمع‌آوری و سرمایه‌گذاری مجدد و پرداخت به ذی‌نفعان نظارت کند. بررسی عملکرد این سه بخش، اما طی این مدت نشان از انحراف از



کتیبنو | ۰۹

تامین اجتماعی ضرر به گیر بحران است

● **یادداشت** ●
● **علیرضا حیدری** ●

نقش سازمان تامین اجتماعی را در این مقطع از حیات سازمان، در واقع باید نوعی مدیریت بحران نامید، چراکه با کمی دقت به وضعیت اقتصادی کشور و تحریم‌های فزاینده و... می‌توان دریافت که اگر نیاز اقشار تحت پوشش به خدمات سازمان، به نحو مناسب پاسخ داده نشود، بسیاری از اقشار کشور با بحران مواجه خواهند شد که دامنه این بحران از معیشت تا سلامت را در بر خواهد گرفت. پوشش بیمه‌ای طبقات کارگری، پرداخت حقوق مستمری‌گیران و بازنشستگان، افزایش دستمزدها بر اساس شرایط معیشتی و رفاهی کارگران، از جمله وظایف سازمان تامین اجتماعی است که طی این سال‌ها علی‌رغم مسائل مالی، کم‌وبیش انجام شده، اما پرداخت حقوق بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی در ازای دریافت منابعی است که از ناحیه مشتریان و مراجعان و در قبال عمل به تعهدات بیمه‌شدگان، تامین می‌شود.

به همین دلیل طی این سال‌ها عدم پرداخت کامل مستمری یا پرداخت به‌موقع، از جمله دغدغه‌های بازنشستگان بوده است. هر زمان که تناسبی بین این دو، یعنی منابع و مصارف برقرار شود، خدماتی هم که در قالب قانون باید ارائه شود از سقف قابل قبولی برخوردار

نایب‌رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری



● **یادداشت** ●
● **مرتضی رجبی** ●

ضرورت ساماندهی دقیق هزینه‌های سازمان تامین اجتماعی

بهبود کیفیت خدمات سازمان تامین اجتماعی به مراجعان این سازمان به‌ویژه بیمه‌شدگان در شرایط حساس حال حاضر کشور بیش از همه در گرو ارتقای توانایی مالی صندوق‌های بازنشستگی است که مخاطبان آن، عمدتاً از طبقه حقوق‌گیر جامعه هستند. این امر نیز وابسته به میزان ورودی‌های این سازمان و عمل به مسئولیتی است که در این راستا برعهده دارد. در حالی که باید ورودی این صندوق‌ها را بیشتر کرد، اما در عمل میزان ورودی‌ها مطابق با خروجی سازمان نیست و بخشی هم از این عدم توازن به ارائه خدماتی برمی‌گردد که سازمان تامین اجتماعی به‌رغم همه مشکلات در قبال مردم انجام داده است. از اهم این خدمات می‌توان به خدمات بیمه‌ای و پرداخت حقوق به مستمری‌گیران اشاره کرد. طی سال‌های اخیر معمولاً کسانی نزد این صندوق‌ها بیمه شده‌اند که آمار آن‌ها کمتر از میزان واقعی مزدگیران است. یعنی کل جمعیت مزدگیر یا بیمه نشده یا حق بیمه پرداخت نمی‌کنند. در صورت اخذ تصمیماتی که تعداد این بیمه‌شدگان را افزایش دهد، میزان ورودی سازمان و منابع آن نیز تقویت خواهد شد. شرایط فعلی حاکی از این است که کارگاه‌های غیررسمی و اقتصاد غیررسمی بخش بزرگی از نیروی کار را به خود معطوف داشته و از اتجایی که توان مالی اندکی دارد، قادر به بیمه‌کردن فرد مزدبگیر و شاغل نیست. اما وقتی که ما توان اقتصادی واحدها یا بنگاه‌های کوچک و متوسط را بالا ببریم درصد عمل به تعهدات افراد در برابر سازمان تامین اجتماعی بیشتر می‌شود. به این معنی که هم نیروی کار بیمه می‌شود و هم در بحث دریافت مالیات از واحدهای

اقتصادی با مشکل مواجه نخواهیم بود. این مسئله البته به فضای اقتصاد کلان کشور نیز برمی‌گردد به طوری که با برنامه‌ریزی دقیق در اقتصاد می‌توان توان مالی واحدها را بالا برد و این امر با سیاست‌گذاری‌های جامعی در بحث اصلاح قانون و مقررات و گردش پولی و مالی، همچنین اصلاح مقررات ایجاد کسب‌وکار جدید، قابل تحقق است. موضوع دیگر، عملکرد خود سازمان و نهادهای زیرمجموعه در خصوص مدیریت منابع مالی و هزینه است. لازم است سازمان در خصوص هزینه‌ها دقت بیشتر و ساماندهی بیشتری داشته باشد و از طریق ساماندهی جامع و درست، هزینه‌ها را کنترل کند. نکته سوم، اینکه اگر قرار باشد صندوق‌های بازنشستگی مثل سازمان تامین اجتماعی بر اساس مقررات قانون تامین اجتماعی کسانی را از طریق مجلس و دولت سر این سفره‌ها بیاورد، نرخ حق بیمه آن‌ها اولاً باید نزدیک به حق بیمه کارگران باشد و ثانیاً به بیمه اجباری نزدیک باشد. درباره گروه‌های خاص که به طور معمول بخش عمده حق بیمه آنها بر عهده دولت است، حق بیمه‌ها باید به موقع پرداخت شوند. همه این اقدامات به عملکرد سازمان در قبال خدمات‌رسانی به بیمه‌شدگان سرعت می‌بخشد.

عضو هیئت‌مدیره کانون عالی انجمن‌های

کارفرمایی ایران

